

## بررسی اعدام و مجازات های سالب آزادی و تاثیر آنها بر پیشگیری از ارتکاب جرم

فردین پرمایه<sup>۱</sup>، وحید زارعی شریف<sup>۲</sup>

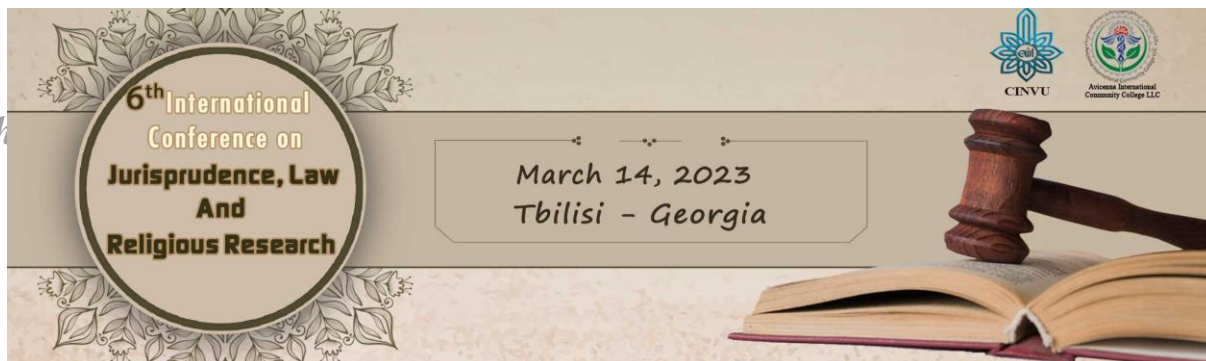
۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

۲- استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

### چکیده

انسانها در فراز و نشیب تاریخ همیشه از دردها و آسیبهای اجتماعی بسیاری رنج و برده اند همواره در جست و جوی یافتن علل و انگیزه های آنها بوده اند تا راه ها شیوه هایی را برای پیشگیری و درمان آنها بیابند جرم علاوه بر اینکه هزینه های هنگفتی را در ابعاد مختلف، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی خانوادگی و حتی سیاسی بر جامعه و نظام اجتماعی تحمیل میکند خسارت، جسمی مالی و عاطفی متعددی را نیز بر بزه دیدگان خود وارد می کند. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است که از طریق روش کتاب خانه ای گرد آوری شده است. هدف تحقیق بررسی بررسی اعدام و مجازات های سالب آزادی و تاثیر آنها بر پیشگیری از ارتکاب جرم می باشد. یافته های پژوهش حاکی از آن کیفر اعدام به عنوان شدیدترین مجازات توجیه می شود و ادعا می شود این شدت می تواند خنثی کننده منافع احتمالی جرم بوده و مرتکبین بالقوه را از ارتکاب جرم منصرف کند. از سویی دیگر زندان تأثیر شگرفی در پیشگیری از جرم نداشته، زیرا که جرم معلول علل و عواملی چون فقر، بیکاری، بی سواد، مهاجرت و... است و تا زمانی که علل ارتکاب جرم در جامعه وجود داشته باشد، زندان نیز از ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد.

**واژگان کلیدی:** اعدام، مجازات، سالب آزادی، پیشگیری، جرم



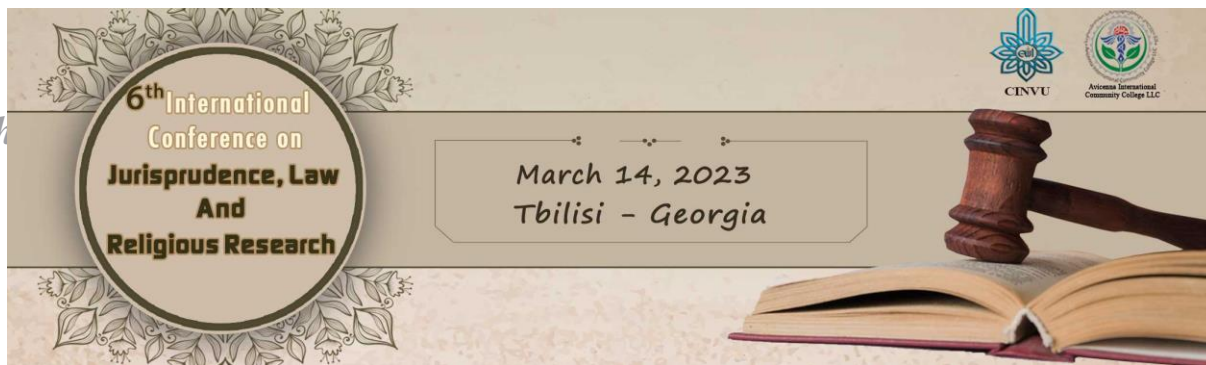
## مقدمه

انسانها در فراز و نشیب تاریخ همیشه از دردها و آسیبهای اجتماعی بسیاری رنج و برده اند همواره در جست و جوی یافتن علل و انگیزه های آنها بوده اند تا راه ها شیوه هایی را برای پیشگیری و درمان آنها بیابند جرم علاوه بر اینکه هزینه های هنگفتی را در ابعاد مختلف، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی خانوادگی و حتی سیاسی بر جامعه و نظام اجتماعی تحمیل میکند خسارت، جسمی مالی و عاطفی متعددی را نیز بر بزه دیدگان خود وارد میکند؛ اگرچه مجرم باید مجازات شود اما اگر به علل وقوع جرم توجه نشود مجازات اعمال شده بلا اثر خواهد بود و احتمال بروز مجدد جرم توسط مجرم افزایش پیدا میکند.

مبنای فکری توجیه جرم و مجازات در قالب قرارداد اجتماعی قابل تشریح و توجیه است و مطابق قرارداد مفروضی که بین افراد و دولت وجود دارد هیچ فردی حق سلب حیات و یا آزادی خود را به دولت نمی دهد، بلکه هرکس آن مقدار از آزادی و حیات اش را به دولت میدهد که برای حفظ بقیه حقوق و بهره بردن از آنها لازم باشد. یکی از بخشهای مهم سیاست گذاری جنایی مسئله تعیین نوع مجازات است. کیفرگذاری (تقنینی) و کیفرگزینی (قضایی) از آن رو از اهمیت ویژه ای برخوردار است که ارتباطی مستقیم با حقوق بنیادین بشر دارد. حق حیات مهم ترین این حقوق است و کیفر اعدام تعارضی انکارناپذیر با این حق دارد. کیفر اعدام علیرغم تحدید آن در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و علیرغم مخالفت های جدی جنبش های لغو مجازات اعدام، همچنان جایگاهی قابل توجه در برخی نظام های عدالت کیفری دارد.

در اکثر کشورهای جهان، زندان یکی از مهم ترین ابزارهای دفاع اجتماعی در مقابل پدیده جرم و شخصی مجرم به حساب می آید با زندانی شدن یک فرد نه تنها آثاری سوء حادث می شود، بلکه افراد و گروه های مختلفی متأثر از این امر می شوند. اولین فردی که زندان بر او اثر منفی داشته، خود زندانی است و در مراحل بعدی خانواده و جامعه از این امر متأثر می شوند. امروزه اثر زندان به سلب آزادی خلاصه نمی شود، بلکه تراکم جمعیت زندانها و بلا تکلیفی و ماندن آنها در بازداشتگاه ها و زندانها به مدت زیاد می تواند شروع خیلی از انحرافات در میان زندانیان باشد پذیرش اصل برتری پیشگیری بر درمان سیاست های قضایی و کیفری را بر این داشته است تا با گزینش شیوه های کار آمد افراد را از ارتکاب بازه باز دارند و با کاهش نرخ تکرار جرم، جمعیت کیفری را محدود کند.

سنگین ترین مجازات ها در نظام کیفری ایران اعم از حبس های طولانی مدت و حبس ابد و جزای نقدی بالا و اعدام مربوط به جرایم مواد مخدر هستند. بخشی مهم از محکومیت های اعدام صادره از دادگاه ها و اعدام های اجراء شده نیز مربوط به این حوزه هستند. بدیهی است سیاست گذار جنایی از این شدت عمل انتظار بازدارندگی دارد و گرنه سایر کارکردهای مجازات مانند اصلاح و درمان در مورد اعدام موضوعاً متنفی هستند و ناتوان سازی نیز نمی تواند مورد توجه



بوده باشد. در واقع، بدون احراز کارکرد بازدارندگی، پیش‌بینی این مجازات با وجود محدودیت‌های شرعی و تبعات آن در عرصه بین‌المللی توجیهی ندارد. ما در این پژوهش به دنبال بررسی اعدام و مجازات‌های سلب آزادی و تاثیر آنها بر پیشگیری از ارتکاب جرم هستیم.

### مبحث اول: مفاهیم و مبانی تحقیق گفتار اول: تعریف اعدام

اعدام واژه عربی است و در لغت به معانی گوناگونی چون: نیست گردانیدن، تهدست شدن، نابود کردن، نایاب گردانیدن چیزی، کشتن کسی به عنوان مجازات استعمال شده است. (عمید، ۱۳۹۰)

و برخی آن را در معنای سلب حیات فرد توسط دولت آورده اند. اما معنای اصطلاحی آن که از معنای لغویش مهجور نیست چنین است: اعدام حکم و مجازاتی است که از سوی دستگاه قضایی کشورها صادر شده باشد و یا این که توسط نیروهای مسلح و نظامی کشورها صادر شده و اجر شود. برخی اعدام را سخت‌ترین مجازات سلب حیات تبیین کرده اند. (گلدوزیان، ۱۳۹۵)

بنابراین می‌توان گفت که اعدام یکی از اقسام کیفرهای بدنی به شمار می‌رود که به موجب آن به سلب حیات شخص منجر شده و از اشد مجازات محکوم، به شمار می‌رود.

### گفتار دوم: -تعریف مجازات سلب آزادی

زندانی کردن: در فرهنگ معین به معنای زندانی کردن و بازداشتن آمده است. (معین، ۱۳۹۳)

در معنای اصطلاحی، حبس چنین تعریف شده است: سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود، به طوری که در آن حالت ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد، آن را توقیف گویند، نه حبس. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵)

حبس یا مجازات سلب آزادی - با رویکرد کیفری در اواخر قرون وسطی و آغاز دوران نوزایش وارد زرادخانه کیفری مالک اروپایی شد و حقوق کیفری انقلاب فرانسه، به ویژه قانون نامه‌های ۱۸۰۸ و ۱۸۱۰ ناپلئون بدان رسمیت داد. این کیفر به قصد سلب آزادی فرد مورد حکم قرار می‌گیرد. (گودرزی بروجردی و الوندی، ۱۳۸۵)

عبارت کیفر سلب آزادی و نیز همین قصد را متبادر می‌نماید و کاربرد آن به جای حبس، برای قرار گرفتن در مقابل سایر کیفرها، از جمله کیفر سلب حیات، کیفر محدود کننده آزادی، کیفر مالی، کیفر قطع عضو و... است؛ که هر کدام از این کیفرها دستهای از داشته‌ها و منافع محکوم را نشانه می‌رود. وانگهی، آزادی، خود مفهومی بسیط، غامض و چندوجهی است که از هر زاویه و با هر دید به آن نگاه شود، منظری متفاوت از خود نمایش می‌دهد. هرچند واژه ی



«آزادی» به کار رفته در عبارت کیفر سالب آزادی، به معنای آزادی فیزیکی و آزادی در رفت و آمد فرد می باشد. اما آزادی در مفهوم عام خود همیشه به معنی حرکت و رفت و آمد بدون مانع نیست. آزادی در این معنا مخالف در بند بودن نیست. چنانکه در ادبیات فارسی نیز اغلب مفهوم عام آن مدنظر است. در معنای سیاسی، آزادی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و جنبه منفی و مثبت به خود می گیرد. اگر آزادی را به عنوان یکی از عالی ترین حقوق افراد جامعه بدانیم، همین عالی بودن این حق باعث شد که انقلاب فرانسه آن را یکی از شعارهای خود قرار دهد و در حقوق کیفری انقلابی خود، سلب آن را جزای تعرضی به حقوق جامعه بداند. (توجهی و ابراهیم وند، ۱۳۹۳)

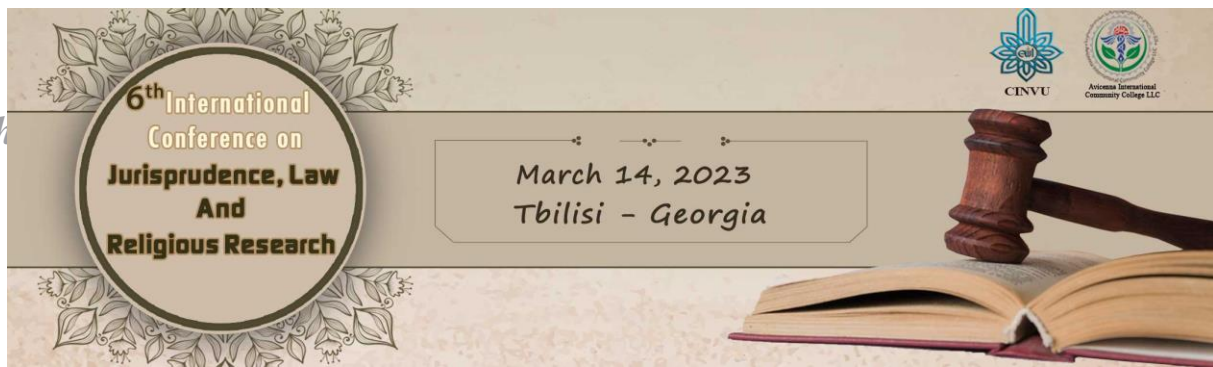
در قوانین کیفری اسلام، ضمن اینکه برای جلوگیری از خلاف کاری ها و حمایت جامعه در مقابل شرارت افراد شرور از طریق دیگری استفاده شده ولی به حکم ضرورت، عقولت زندان نیز به عنوان کیفر ثانوی پذیرفته شده است. بدین معنا که کیفر اصلی در اسلام، حد است و تعزیر، عقوبت ثانوی برای بزهکاران و گناهکاران تلقی می شود و آن در صورتی است که حدی تعیین نشده باشد تا به مورد اجرا گذارده شود. اگرچه زندان در اسلام یک عقوبت ثانی است و مدت زندان بستگی به نظر حاکم دادگاه دارد که با توجه به جرم ارتكابی و درجه اهمیت آن و تنبیه و تادیب مجرم، میزان و مدت آن را معین کند، ولی امروزه طبق قانون مجازات اسلامی، زندان از کیفرهای اصلی محسوب و مدت و میزان آن از لحاظ حداقل و حداکثر توسط قانون گذار پیش بینی شده است. (شامبیاتی، ۱۳۹۲)

به طور کلی از منظر کیفرشناختی، مجازات سالب آزادی عبارت است از کیفری با اهداف: رفع احساس بی عدالتی، ایجاد سازگاری اجتماعی و کارکردهایی همچون تعیین مرزهای میان محدودیت و آزادی و کارکرد اصلاحی، کنترل کننده و حفاظتی که در مکان های مخصوص و تحت نظارت افراد تعلیم دیده اجرا می شود. (بولک، ۱۳۹۱)

### گفتار سوم: مفهوم جرم

معنای جرم، در فرهنگ لغت به معنی گناه، خطا، تعدی، عصیان، نافرمانی، ناشایست، بریدن و قطع کردن است. (دهخدا، ۱۳۷۳) گروهی از حقوق دانان در مفهوم جرم گفته اند: «جرم عملی ناقض ارزش ها و هنجارهای جامعه است که از مرز تحمل پذیری جامعه می گذرد و از سوی حکومت مجازات می شود». (قیاسی و همکاران، ۱۳۸۹) عده ای دیگر جرم را در معنی عام کلمه «رفتاری» که به دلیل اخلاق در نظم اجتماعی، در قانون جزا تصریح و مجازاتی برای آن منظور شده است. (اردبیلی، ۱۳۹۵) جرم از دیدگاه جرم شناسی، فارغ از بررسی حقوقی و قضایی مربوط به شرایط قانونی پدیده مجرمانه بوده و بیشتر اوضاع و احوال فردی و اجتماعی قبل از ارتكاب جرم و عامل و یا عوامل واقعی ارتكاب جرم را مورد توجه قرار می دهد. (گلدوزیان، ۱۳۸۵)

در حقوق کیفری که با محوریت قانون تبیین می شود، تعریف جرم با چالش جدی مواجه است. جرم پدیده ای اعتباری و ذهنی است که ماهیتاً قابل شناسایی نیست؛ زیرا آنچه جامعه آن را سرزنش آمیز، افراد آن را قبیح و



قانونگذار آن را قابل کیفر می داند، صرفاً یک مضافی است که جامعه آن را اعتبار کرده تا به مضاف الیه که همان رفتارهای قابل کیفر هستند و به تفکیک مشخص شده اند، وارد شود. جرم در معنای لغوی مترادف گناه، تعدی، خطا و عصیان آمده است. (دهخدا، ۱۳۸۴) و جمع آن جرایم است. (عمید، ۱۳۸۹)

بنابراین، جرم در معنای لغوی دارای محدوده وسیعی است که هم شامل بزه می شود و هم گناه و استعمال آن در زبان فارسی و به عنوان فعل یا ترک فعل قابل کیفر عاری از اشکال نیست. در واقع، بزه معادل کلمه جریمه است و جریمه اخص از جرم، عمل یا ترک عملی است. که قانون آن را با عقوبت و تنبیه بدنی تعقیب کند. (جر، ۱۳۹۳)

تعریف اصطلاحی جرم از معنای لغوی آن فاصله داشته و بر حسب رشته مربوطه، شرایط و قیودی بر معنای لغوی وارد شده است. تعریف جرم بر حسب نظر اندیشمندان و بر اساس رشته هایی که جرم را مورد مطالعه قرار می دهند، متنوع و متفاوت است.

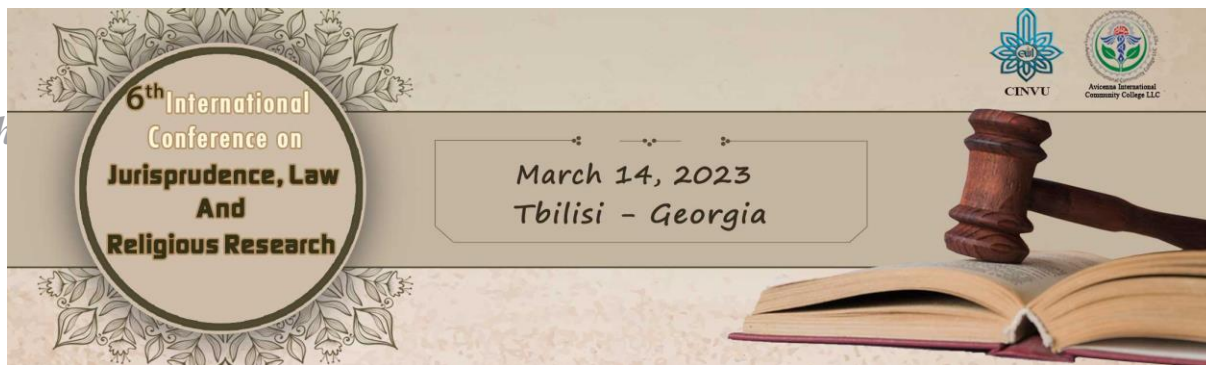
از منظر حقوق کیفری، جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون مستلزم مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد. در بسیاری از نظامهای کیفری، جرایم بر حسب شدت و ضعف مجازات به خلاف، جنحه و جنایت تقسیم می شوند. بنابراین می توان گفت هر جرمی نوعی انحراف و کجروی محسوب می شود ولی هر انحرافی لزوماً جرم نخواهد بود. (خسروشاهی، ۱۳۸۶)

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به شرح زیر که در آن وجود دارد بیان نموده است

قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات های حدود، قصاص، دیات، و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد:

هر نوع رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود. «همانگونه که ماده فوق الذکر مقرر می دارد احراز جرم صرفاً ناشی از انجام فعل نیست. ترک فعل هم در قانون مجازات اسلامی مصداق ارتکاب جرم است.

جرم عمل یا خودداری از عملی است مخالف نظم و صلح و آرامش اجتماع بوده و از همین حیث مجازاتی برای آن تعیین شده باشد. انجام تخلف و جرم از ناحیه افراد عموماً به صورت مختلف صورت می گیرد و بر اساس آن مجازات های مربوط به جرائم در قانون مدون شده است. جرم، مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه منجر شود. هر جرم، را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده یا اختیار آن را به ولی سپرده است. (فهیمی فر و همکاران، ۱۳۸۶)



## گفتار چهارم: مفهوم پیشگیری

### بند اول: تعریف لغوی پیشگیری

در ادبیات محاوره ای عامیانه به معنای « مانع وقوع امری شدن»، « جلوی وقوع امر ممکن را گرفتن» و « به پیشباز خطر رفتن و مانع تحقق آن شدن» است. (مهدوی، ۱۳۹۰) در لغت شناسی، پیشگیری در معنای دفع جلوگیری کردن، مانع گشتن، منع کردن، به نگهداری برخاستن، از پیش مانع شدن مانند مانع شدن از سرایت امراض، جلوگیری بستن، پیش بندی کردن مانند سیل یا جریان آب، تقدم به حفظ، صیانت، حفظ صحت و جلوی مرزی را گرفتن آورده شده است. (دهخدا، ۱۳۸۴)

### بند دوم: تعریف اصطلاحی

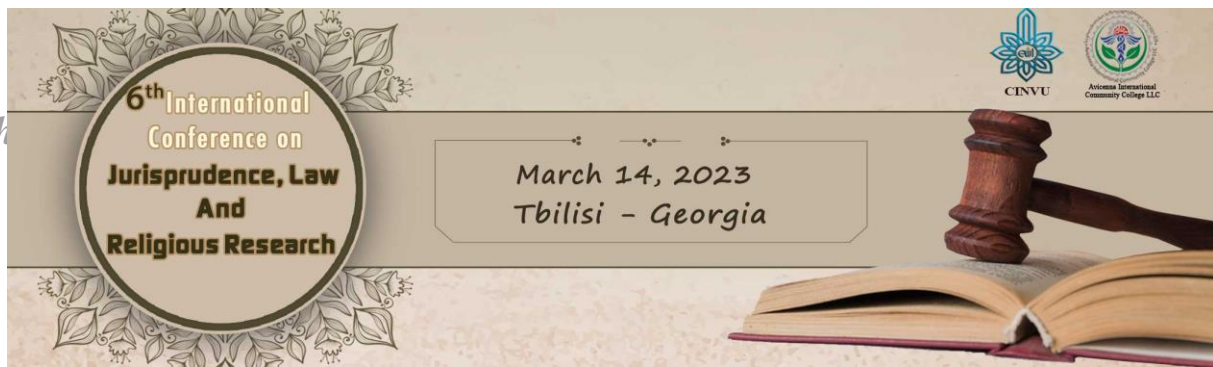
امروزه در کنار اصطلاح پیشگیری از جرم، پیشگیری از بزه دیدگی نیز مطرح است؛ زیرا بزه دیده شناسی همانند جرم شناسی دارای استقلال نسبی است؛ از این رو، پیشگیری از بزه دیدگی به لحاظ ارتباطی که با جرم شناسی بزه دیده شناختی و سیاست جنایی بزه دیده محور دارد، می تواند با تکیه بر داده های رشته بزه دیده شناسی به طور مستقل مورد مطالعه قرار گیرد؛ اگرچه پیشگیری از بزه دیدگی در جهت تحقق هدف اصلی، یعنی پیشگیری از بزهکاری، و فی الواقع مکمل آن است. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۸۹)

می توان گفت در تعریف عام از پیشگیری کمک به فقرا، مسجد رفتن و ورزش نمودن پیشگیری است. در معانی عام مسکن، اشتغال و فرهنگسرا در زمره عوامل پیشگیری از جرم شمرده می شوند. (زرگری، ۱۳۹۰) از نظر جرم شناسان این تعریف عام دو ایراد دارد:

الف) مقوله پیشگیری و سرکوبی دو مقوله منفک ولی با اهداف مشترک هستند. گرچه هدف این دو در نهایت پیشگیری است ولی آنچه این دو را از هم مجزا می کند آن است که پیشگیری علاوه بر این که توسط دولت صورت می گیرد، می تواند از طریق جامعه مدنی نیز اعمال گردد، ولی سرکوبی فقط توسط دولت صورت می گیرد.

ب) برخی مجازات ها به هیچ وجه هدف پیشگیری ندارد، به عنوان نمونه جریمه روزانه نمی تواند جنبه پیشگیرانه ای داشته باشد. (همان)

پیشگیری در معنای خاص مجموعه تدابیر و اقدامات غیرکیفری با هدف مبارزه با بزهکاری از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم زا و نیز اثر گذاری بر فرصتهای پیش جنایی، به گونه ای که بتوان با استفاده از ابتکارات و ساز و کارهای غیر قهرآمیز بر شخصیت افراد و وضعیت پیش از ارتکاب جرم ار گذاشت تا از رخ دادن بزه جلوگیری شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱)



پیشگیری در مفهوم موسع آن، هرآنچه علیه جرم بوده و جرم را کاهش دهد. لذا طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را در بر می گیرد. نخستین کسی که دارای این بینش بود "انریکو فری" است. پیشگیری در مفهوم گسترده هر آنچه که در مبارزه با بزهکاری مورد استفاده قرار می گیرد را شامل می شود.

انریکو فری بزهکاران را به پنج دسته تقسیم می شوند: ۱- بزهکاران هیجانی (عشقی)، ۲- بزهکاران به عادت، ۳- بزهکاران اتفاقی، ۴- بزهکاران حرفه ای و ۵- بزهکاران بالفطره، وی برای مبارزه با جرم دو راهکار را پیشنهاد می کند: (۱) تدابیر دفاع فردی، یعنی مبارزه با علل شخصی جرم. (۲) اقدامات دفاع اجتماعی، که بعدها عنوان اقدامات تأمینی را به خود گرفت. (زرگری، ۱۳۹۰)

پیشگیری از وقوع جرم از جهت خط مشی و از جهت عملی به سنت های فرهنگی، سیاسی و فکری رایج بستگی دارد، به همین دلیل نحوه پذیرش و مفهوم سازی پیشگیری از جرم و در نتیجه روش برنامه ریزی، هماهنگی و اجرای سیاستهای مربوط در سطح ملی در کشورهای مختلف به نحو قابل ملاحظه ای متفاوت است.

در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، مراجع وزارتی و یا شوارهای ملی پیشگیری از جرم با داشتن نمایندگانی از ارگانهای مختلف خصوصی و عمومی، به ارائه، طراحی و هماهنگ سازی استراتژیهای پیشگیری از جرم، مبادرت می نمایند. در کشورهای دیگر نیز، مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم، مبادرت می نمایند. در کشورهای دیگر نیز، مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم، عمدتاً بر عهده خود وزارتخانه ها، پلیس و یا دادستانی است.

در برخی کشورها نیز، بویژه کشورهای اروپای شرقی، وظایف مربوط به اجرای قانون پیشگیری از جرم، بطور اجتناب ناپذیری مرتبط با یکدیگر تلقی می شود. بدین ترتیب، دادگاهها نه تنها مسئول حل و فصل دعوای مطروحه اند بلکه مسئولیت شناخت و حل علل و عوامل ریشه ای برخی از جرایم خاص را نیز به عهده دارند.

در برخی از کشورها نیز، پیشگیری از جرم بیش از آنکه مربوط به اجرای قانون و نقش نظام عدالت کیفری باشد، به نحو بسیار نزدیکتری مرتبط با سیاست اجتماعی و عمومی است. (همان)

باتوجه به اهمیت امر پیشگیری از وقوع جرم و موقعیت والای این مسئولیت در تمامی نظامهای معتبر امروزی، این تفسیر که «هرگونه اقدامی که در مورد امر پیشگیری از وقوع جرم لازم باشد، اگر قوای دیگر در اجرای آن، وظایفی را متحمل گردند دخالت در سایر قوا نخواهد بود.» کاملاً منطقی به نظر می رسد؛ چرا که انجام این وظیفه سنگین در کشور ما متولی دیگری ندارد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> پیشگیری از وقوع جرم که در بند ۸ ماده (۴) قانون نیروی انتظامی (مسوب ۲۷ تیرماه ۱۳۶۹) آمده است، به تصریح همان قانون نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می کند.



### گفتار پنجم: اهداف مجازاتها

تدابیر سرکوبنده همزمان دارای جنبه های اخلاقی و انتفاعی است. از این رو شاید به توان هدف های پیچیده و گاه آشتی ناپذیر کیفرها را حول سه محور خلاصه کرد: ترساندن، سزادادن و بازپروراندن. این هدف های سه گانه همواره در اجرای مجازات ها وجود داشته و دارد. در ادامه به اهداف مجازات اشاره خواهیم نمود:

### بند اول: ترساندن

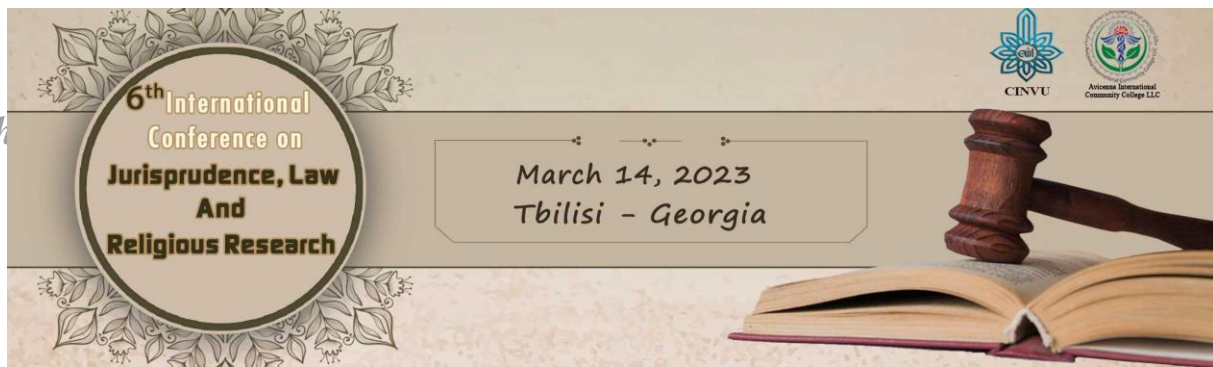
یکی از دلایلی که قانونگذار در انتخاب مجازات ها به نوع و شدت و ضعف آن توجه دارد، ایجاد رعب و هراس در مردم است. همین ویژگی راهنمای قانونگذار در تشدید مجازات هایی است که بیشترین اختلال را در نظام اجتماعی پدید می آورد و مایه تشویش اذعان عمومی است. قانونگذار با این تصور که ترس از مجازات سنگین ممکن است بزهکاران احتمالی را از اندیشه های شریرانه منصرف گرداند، با اجرای آن امیدوار است درس عبرتی به آنان داده باشد. بازدارندگی مجازات ها ممکن است عمومی و یا اختصاصی باشد. ایجاد ترس در توده مردم و در نتیجه بازداشتن آنان از ارتکاب جرم در روزگار ما محل تردید است. دست کم به عوامل اجتماعی متعددی بستگی دارد. پیشگیری عمومی زمانی با ارباب دیگران حاصل می شود، که اوضاع اجتماعی و فرهنگی تحقق آن را ممکن سازد. از جمله عدالت کیفری همواره باید صحت و مشروعیت خود را به اثبات برساند. به بیان دیگر این اعتقاد که مجازات درباره عموم مردم یکسان به اجرا درمی آید و جامعه از خطای هیچ کس بی دلیل چشم پوشی نمی کند، باید در اذهان مردم رسوخ نماید، و گرنه ترس از مجازات نه تنها تاثیری بر اندیشه های سوء مردمان نخواهد داشت، بلکه تبعیض اجتماعی آنان را به درستی رفتار مجرمانه خود قانع خواهد کرد. (گلدوزیان، ۱۳۹۵)

افزون بر پیشگیری عمومی، با پیشگیری اختصاصی انتظار این است که بزهکار با تحمل سختی و رنج مجازات از کرده خود پشیمان شود و از رفتار گذشته خود دست بشوید. ولی این انتظار همیشه با واقع منطبق نیست. زیرا تاثیر بازدارنده مجازات ها بر حسب وضع روانی اجتماعی محکوم علیه شدت و ضعف دارد، اولاً همه بزهکاران از شخصیت واحد و ساختار روانی یکسانی برخوردار نیستند. در نتیجه به یک درجه از اجرای مجازات متاثر نمی شوند. ثانیاً بر حسب ماهیت جرم و میزان قبح اجتماعی رفتار، میل و کشش مجدد به ارتکاب جرم در افراد متفاوت است. به همین دلیل، علمای حقوق برای اخذ بهترین نتیجه از اجرای مجازات سیاست فردی کردن آن را پیشنهاد می کنند.

### بند دوم: سزادادن

از دیر باز مکافات عمل، بار سنگینی به شمار می آمد که بزهکار به جبران تقصیر، خود باید به دوش می کشید، عدالت اقتضا می کرد که کار زشت بی کیفر نماند. امروزه این مقصود در اجرای مجازات همچنان تعقیب می شود. در اذهان





عموم مردم مفهوم عدالت وقتی معنی و تحقق می یابد که بزهدکار به سزای همان میزان گناهی که مرتکب شده است، رسیده باشد. مجازات وظیفه دارد که این تعادل را برقرار نماید.

این اندیشه که از پیشینیان به یادمانده هنوز در اعتقاد مردم ریشه دارد که بزهدکار مدیون است و باید دین خود را به همان میزان بپردازد. از این رو مجازات ضمناً نوعی تلافی جویی به شمار می آید که تجلی آرمانی آن را می توان امروز در اجرای مجازات قصاص مشاهده کرد. در مکتب های کهن حقوق کیفری، هر جرمی با فرض وقوع تقصیر توأم بود. از این رو مجازات بدون تقصیر معنا نداشت. مقصر انسانی آزاد و مختار بود و اخلاقاً مسئولیت رفتار خود را به عهده داشت. بدین سان عنصر روانی رفته رفته جز عناصر جرم به حساب آمد. کودکان، دیوانگان و در مواردی افراد مست بازخواست نمی شدند، زیرا فاقد اهلیت بودند، یعنی سزاوار نبودند. (اردبیلی، ۱۳۹۵)

### بند سوم: بازپرورانند

پیشینیان هیچ گاه در اجرای مجازات از اصلاح و تربیت بزهدکاران غافل نبودند. منتهای مراتب در اجرای مجازات امیدوار بودند، رنج و مشقتی که به بزهدکار تحمیل می کنند، در رفتار او تغییر پدید آورد و او را متنبه کند. ولی امروزه دانش ما از رفتار و خلق و خوی انسان ها فزونی یافته است. تغییر رفتار و یا به بیان دیگر عادات زشت و ناپسند انسان موضوع پژوهش های روان شناسی است. بر این اساس رفتار مجرمانه نوعی ناسازگاری اجتماعی است و بزهدکار کسی است که بنا به دلایلی قادر نیست خود را با خواسته های جامعه تطبیق دهد.

از تاثیر تربیتی برخی از مجازات ها همانند اعدام، رجم و مجازات های توانگیر به طور کلی باید مایوس بود. زیرا بازپروری اصولاً با اجرای این قبیل مجازات ها منافات دارد. تنها مجازاتی که خصیصه تربیتی آن به ظاهر و نسبت به مجازات های دیگر بارز است، کیفر زندان است. اصطلاح حبس تادیبی زمانی شیوه ای از اجرای مجازات را تداعی می کرد که با سیاست یک نهاد تربیتی باید منطبق می باشد. امروزه دیگر از اعجاز زندان ها سخنی نیست، بلکه سعی بر این است که با تعلیق اجرای مجازات و یا آزادی مشروط و یا راه کارهای دیگر در حد امکان از آثار زیانبار زندان ها تا حدودی کاسته شود. با این همه اندیشه زندان تربیتی موجب شده است که رفته رفته غل و زنجیر از پای زندانیان باز کنند و آنان را از دخمه های تاریک و نمور قرون گذشته بیرون آورند و بیش از تربیت به سلامت او بیندیشند. مجازات های دیگر مالی به ویژه جریمه نقدی عیوب مجازات های دیگر را کمتر دارد. شاید و به همین دلیل اثر بازدارندگی آن در پیشگیری از جرایم خاص نسبتاً قوی است. ولی به طور کلی مجازات ها به صفاتی متصف اند که گاه مانع از وصول هدفی که قانونگذار از اجرای مجازات قصد کرده است، می شوند. (همان)



### گفتار ششم: ویژگی های بنیادی مجازات ها

ویژگی های بنیادی مجازات از همان اهداف متضادی که در اجرای مجازات تعقیب می شود، مایه می گیرد. اهداف مجازات پیچیده است و هر یک باید در مجازات های گوناگونی که یک به یک به اجرا در می آید، تحقق یابد. برحسب آنکه کدام یک از اهداف مذکور در ذهن قانونگذار و یا دادرس غلبه دارد، این صفات ضعف و قوت های گوناگون به خود می گیرد.

### بند اول: رنج آوری

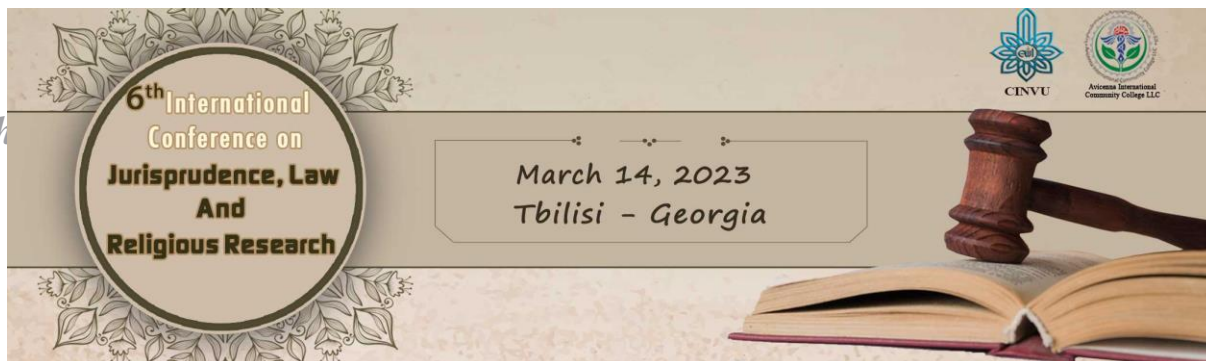
خصوصیت آزاردهنده مجازات از همان هدف مکافات دهی آن سرچشمه می گیرد. مجازات عذاب و دردی است که بزهدکار باید با تمام وجود آن را تحمل کند. عقیده بر این است که رنج و محنت مجازات پلیدی و شرور را باز می خرد و گنهکار را پاک می گرداند.

در گذشته اعمال شاقه اجرای مجازات حبس را با سختی و جانکاهی توأم می کرد. امروزه محرومیت از آزادی خود به تنهایی تنگنایی است با تمام پیامدهای زیان آور آن. در گذشته کیفری مانند حبس مجرد، مجازاتی تهریبی بود. یعنی بزهدکار مانند راهبی باید ترک دنیا می کرد. زیرا در تفکر دینی خلوت کردن با خود، و دوری گزیدن از لذت های مادی چشم انسان را به حقایق می گشوید و احساس ندامت و پشیمانی برمی انگیخت. اصطلاح ندامتگاه در معنی دیر ناظر به مکان هایی بود که قانون حاکم بر آن سکوت بود.

در روزگار ما نیز کیفرهای بدنی همانند تازیانه، قع عضو واجد همان خصوصیت آزار دهنده است. عموماً هدف اربابی مجازات ها جز تقویت خصیصه رنج آوری آن ممکن نیست. قانون گذاران امیدوارند با وضع مجازات های شاق، رعب و وحشت در مردم بیافرینند تا شاید بیم و هراس، آنان را از ارتکاب جرم بازدارد. به عکس برای تامین هدف اصلاحی مجازات ها ناگزیرند بیش از پیش از خشونت آنها بکاهند. در هر حال تعیین میزان سختگیری به ان اندازه که برای بازپروری بزهدکار نیاز است، کاری بس دشوار است. مشکل این جا است که نمی توان خصوصیت رنج آوری مجازات را از آن سلب کرد، و گرنه مجازات مفهوم خود را از دست می دهد. (همان)

### بند دوم: رسواکنندگی

اجرای مجازات محکوم علیه را در میان مردم انگشت نما می سازد. داغ محکومیت اعتبار و حیثیت اجتماعی او را می زداید. در گذشته فلسفه مجازات های تزدیلی یا خوار و خفیف کننده این بود که مردم از بیم از دست دادن آبرو و مقام اجتماعی خود گرد بزهدکاری نگردند. البته رسواکنندگی صفت مجازات های خاصی نیست. همه کیفرها بیش و کم رسواکننده اند. ولی سرافکنندگی محکوم علیه از اجرای مجازات بستگی تام به قضاوت مردم درباره اعمال او دارد.



هرچه زشتی بزهکار بیشتر باشد، رسوایی او میان مردم بیشتر است. به عکس اگر مردم رفتاری را قبیح ندانند، ارتکاب آن هیچ گاه مایه شرمساری نیست.

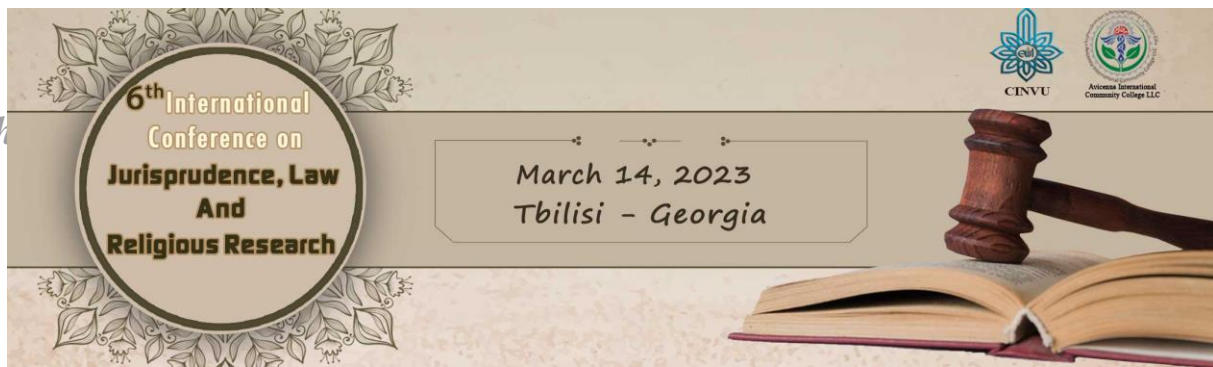
اجرای مجازات که نشانه سرزنش عمومی است، عموماً پیوندهای اجتماعی محکوم علیه را با اجتماع سست می گرداند. گفته می شود، بزهکار به جامعه خود مدیون است و باید دین خود را به آن ادا کند، در این حال با اجرای مجازات به نظر می رسد که بزهکار باید حساب خود را با جامعه تسویه کرده باشد. لیکن دشواری هایی که بزهکار عموماً با آن روبه رو است، دقیقاً پس از اجرای مجازات پدیدار می شود، زیرا داغ ننگ که بر پیشانی او نقش بسته است، بازگشت او را به جامعه به خطر می اندازد. گرفتاری بسیاری از زندانیان پس از خاتمه محکومیت، یافتن موقعیت اجتماعی جدید و بازیافتن آبروی از دست رفته خویش است. ولی جامعه عموماً کمتر روی خوش به آنان نشان می دهد و حاضر نیست با آغوش باز آنان را دوباره بپذیرد. با داشتن پیشینه محکومیت کیفری جامعه اغلب از اعطای مزایای اجتماعی نظیر کار و حرفه ای که زندانی احتمالاً در طول مدت محکومیت فراگرفته دریغ می ورزد. از این رو گفته می شود، خصیصه رسواکنندگی مجازات نباید آنچنان قوی باشد، که بازسازی اجتماعی بزهکار را تهدید کند. مقررات ناظر بر اعاده حیثیت بزهکاران به این دلیل در قوانین کیفری وضع شده اند، که از شدت آثار محکومیت ها و تبعات آن بکاهند تا بزهکاران بار دیگر بتوانند مناسبات اجتماعی خود را با جامعه استحکام بخشند. (گلدوزیان، ۱۳۹۵)

### بند سوم: معین بودن

اهداف مجازات به ویژه ارباب و مکافات بدکاران هنگامی تحقق خواهد یافت که مجازات ثابت و مشخص باشد. فرض این است که قاضی می تواند میزان آسفتگی اجتماعی ناشی از جرم و تقصیر بزهکار را در هر مورد بسنجد و او را به مجازات معینی محکوم نماید. با صدور حکم محکومیت به مجازات هم محکوم علیه و هم افکار عمومی در خواهند یافت که عدالت کیفری به اجرا در آمده و حقوق جامعه استیفاء شده است.

اعلام حکم مجازات این حسن را دارد که بزهکاران بالقوه به عواقب رفتار ناپسند خود خواهند اندیشید. همچنین محکوم علیه آگاه می شود که چه تکالیفی بر عهده او است و چگونه و چه زمان مجازات او به پایان خواهد رسید. تعیین نوع و میزان مجازات، محکوم علیه را از هرگونه خودسری و اجحاف مجریان احکام کیفری مصون خواهد داشت و اگر هدف از مجازات بازسازی کردن محکوم علیه باشد، مجریان را بر آن می دارد تا در حدود مدت مقرر در حکم به برنامه ریزی مناسب بپردازند.

با این همه با آنکه قاضی در اجرای عدالت با توجه به میزان تقصیر و صدمات ناشی از جرم می تواند درباره گذشته به آسانی قضاوت کند، در تعیین زمان لازم به منظور بازسازی کردن محکوم علیه، آینده را به درستی نمی تواند پیش بینی کند. از این رو معین نمودن مجازات از پیش مانعی در راه تامین هدف اصلاحی مجازات تلقی می گردد. در نظام کیفری



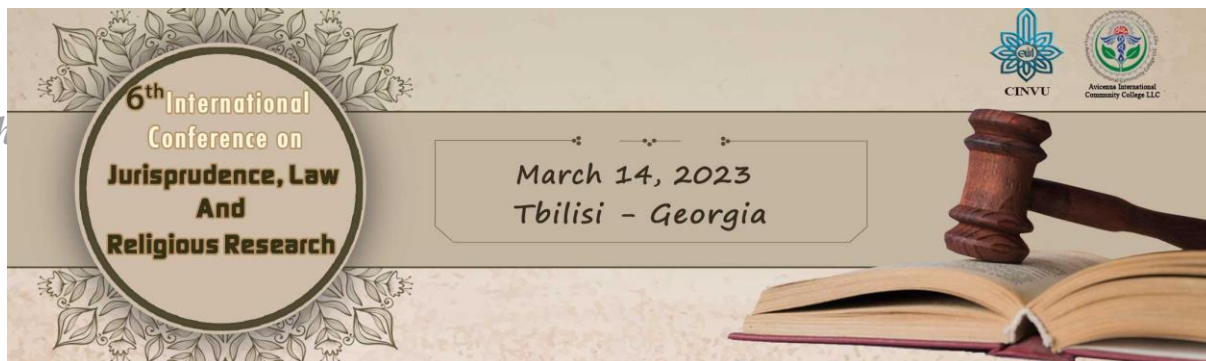
کشور ما، هیچ تدبیری پیش از اتمام مجازات برای تعدیل وصف معین بودن مجازات ها اندیشه نشده است و محکوم علیه ناگزیر به تحمل تمامی مجازات مقرر در دادنامه است. تنها قواعدی که تا حدودی وافی به مقصود است، آزادی مشروط و عفو محکومان به مجازات های سالب آزادی است. در نظام های دیگر کشورها، راه کارهایی از جمله دادن اختیارات بیشتر به مقامات زندان و یا قاضی ناظر بر اجرای احکام کیفری پیش بینی شده که در تقلیل و تطویل مدت زندان و یا تغییر اجرای مجازات موثر است. (پیرانی، ۱۳۹۳)

### بند چهارم: قطعی بودن

خصیصه قطعیت حکم با ویژگی معین بودن مجازات مرتبط است. مقصود از قطعی بودن مجازات این است که پس از رسیدگی به دعوی کیفری و پیمودن مراحل تجدیدنظر و یا گذشتن مهلت های قانونی، هیچ گونه رسیدگی مجدد قانونا ممکن نیست. به بیان دیگر حکم محکومیت اعتبار امر مختومه را پیدا می کند و جز در موارد اعاده دادرسی یعنی رفع اشتباه های موضوعی قابل ابطال نیست. به این ترتیب مجازات اصلی که به حکم دادگاه صادر گردیده دیگر تغییر و تبدیل نمی پذیرد و لازم الاجرا است. همین مجازات است که در سجل قضایی محکوم عیه با تمام آثار و تبعات آن ثبت می شود. (اردبیلی، ۱۳۹۵)

### مبحث دوم: بررسی اعدام و مجازات های سالب آزادی و تاثیر آنها بر پیشگیری از ارتکاب جرم گفتار اول: مصادیق اعدام در حقوق ایران

- ۱- قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب جلسه مورخ ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۶ مقررات اصلاحی قانون یادشده به تصویب همان مجمع رسیده اما در سال ۱۳۷۷ جهت اجرا ابلاغ شده است.
- ۲- قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹/۹/۱۹
- ۳- قصاص نفس، محاربه و افساد فی الارض موضوع مواد ۲۰۵ و ۱۹۰ ق.م.ا. ۱۳۷۰ و مواد ۲۸۹ به بعد ق.م.ا. ۱۳۹۲
- ۴- قانون کیفرهای را آهن مصوب ۱۳۲۰
- ۵- قانون اخلا لگران صنعت نفت مصوب ۱۳۲۶
- ۶- قانون مجازات اخلا لگران در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تاسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹
- ۷- قانون اخلا لگران در صنایع مصوب ۱۳۵۳
- ۸- قانون مجازات اخلا لگران در تاسیسات آب، برق و گاز و مخبرات کشور مصوب ۱۳۷۵
- ۹- ساب النبی موضوع ماده ۵۱۳ ق.م.ا. تعزیرات
- ۱۰- بغی و افساد فی الارض (موضوع مواد ۲۸۶ به بعد ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲)

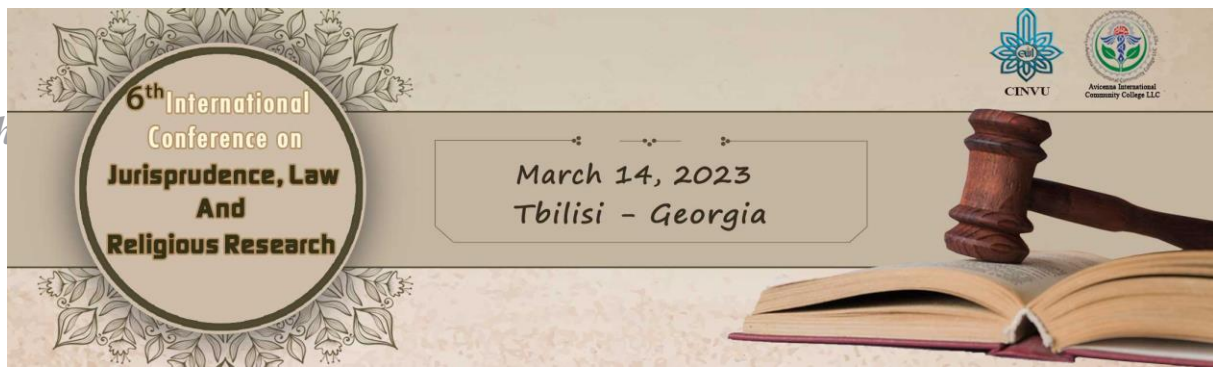


## گفتار دوم: پیامدهای منفی مجازات سالب آزادی

### بند اول: جرم زا بودن محیط زندان

یکی از دلایلی که باعث میشود بحث از مجازاتهای جایگزین مجازات سالب آزادی مطرح شود، جرم زا بودن محیط زندان به ویژه برای مجرمین فاقد سوء سابقه کیفری است. همان طور که میدانیم یکی از اصول مسلم در تعیین مجازات، اصلی فردی کردن مجازات است بدین معنا که باید در تعیین مجازاتها به شخصیت مجرم، جنسیت، سن، شرایط ارتکاب جرم و سوابق او توجه کرد که نسبت به هر یک از مجرمین تفاوت دارد. از جمله راه هایی که در اصلاح بزهکاران، نقش بسیار حیاتی و تعیین کننده دارد، طبقه بندی زندانیان است. طبقه بندی زندانیان می تواند بر اساسی جرم ارتكابی و یا بر مبنای سن و سال و یا به لحاظ سوابق کیفری و یا سایر خصوصیت صورت پذیرد. اما با وضعیت کنونی زندانهای کشور و کمبود فضای سرانه عملاً طبقه بندی به شکل و منطقی آن، امکان پذیر نیست و طبق اعلام رئیس سازمان زندانهای کشور در حال حاضر تفکیک زندانیان بر اساس جنسیت است و تفکیک بر اساسی جرم بنا به دلایلی مثل کمبود جا بخصوص در شهرستانها غالباً رعایت نمی شود. (محمدی، ۱۳۸۹)

عدم طبقه بندی سنی زندانیان موجب تبدیل کانونهای تربیتی به کانون ضد ارزشی گردیده است. در زندانهایی که بزهکاران دورهم جمع می شوند، درحقیقت یک آموزشگاه عالی فساد تشکیل میگردد. مجرمین در این زندان، نقشه های تخریبی را مبادله کرده و تجربیات خود را در اختیار دیگران گذارده و هر تبهکاری در واقع درس اختصاصی خود را به دیگران می آموزد، به همین جهت پس از آزادی از زندان، بهتر و ماهرتر از گذشته به جنایات خود ادامه می دهند. آن هم با حفظ وحدت و تشکل جدید. بر مبنای اصلی فردی کردن مجازاتها، شخصی که برای اولین بار مرتکب عملی می شود آن هم یک تخلف کوچک نباید متوسل به مجازات حبس شد چرا که اگر این مجازات قابلیت اجرایی پیدا کند. شخص فاقد سوء سابقه کیفری در زندان به یک مجرم حرفهای مبدل میگردد و آن شخصی که به خاطر تخلف کم اهمیت روانه زندان شده با انواع و اقسام مجرمین ارتباط پیدا می کند و نهایتاً کمال هم نشین در او اثر خواهد کرد و بعد از خروج، این بزهکار حرفه ای تبدیل به یک مجرم حرفه ای خواهد شد. بدیهی است که در صورت طبقه بندی نکردن، زندان به جای نقش اصلاحی، جایگاهی برای بد آموزی و یادگیری اعمال خلاف و تجربه های منفی بزهکاران حرفهای و محلی برای فراگیری انواع گوناگون جرایم خواهد بود و بدین ترتیب، سیاست اصلاح و تربیت که از سیاست های مهم سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی است دچار نقص شده و تا موفق خواهد بود. به هر حال در تعیین مجازاتها باید به اصل فردی کردن آن توجه کرد به نحوی که مجازات باید متناسب با جرم ارتكابی و نیز متناسب با خود مجازات باشد. (شامبیاتی، ۱۳۹۳)



## بند دوم: ایجاد انقطاع شغلی و خانوادگی

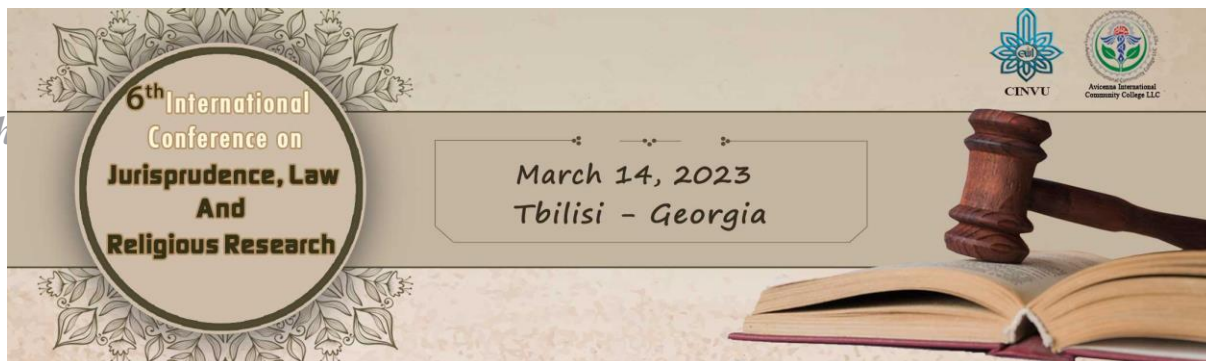
سلب آزادی در واقع سلب شغلی و خانوادگی، سلب خلاقیت، سلب امکان کار و کسب درآمد از یک فرد به عنوان بزهکار است. از جمله ضربه های عمدهای که سلب آزادی به ویژه به متهمان و مجرمین اتفاقی و فاقد سوء سابقه وارد میکند، انقطاع ارتباط خانوادگی، اجتماعی و شغلی است و این خود ضربه مهلکی می باشد. که بر فرد زندانی وارد می گردد چرا که در این چهارچوب، خانواده هایی متلاشی می شوند؛ خانواده هایی از نظر مالی با مشکلات عدیده ای مواجه گردیده و مشاغلی را از دست میدهند؟ فرزندان از نظر تربیتی و جامعه پذیری با خلاء های انحراف ژا با جرم زازو به رو می شوند. از آنجایی که محکومیت به زندان، نوعی مجازات است، فلذا صبغه رسوا کنندگی آن همچنان باقی است و نمی توان آن را از اذهان زدود. کسی که به زندان می افتد. دیگر آبرویش به خطر افتاده و از دید اجتماع، انسان سالمی نیست. کسی که از زندان بیرون می آید دیگر موقعیت اجتماعی او به خطر افتاده است. گاهی امکان دارد که زندانی با نوعی استقامت از طرف خانواده هم مواجه شود یعنی خانواده، او را در محیط خانوادگی خود نپذیرفته و طردش کند و فرد زندانی تصور می نماید که زندان بهترین محیط برای زندگی اوست و دوست دارد که همیشه در زندان باقی بماند. به هر حال کسی که به مدت طولانی در زندان یا شد خیلی از رخدادهای در خانواده شکل میگیرد. زن خانواده در طول این مدت، علاقه اش را از دست می دهد و فرزند خردسال بزرگ شده و به علت نبود پدر در منزل و عدم تماس با او، علاقه اش نسبت به پدر کم میشود و حتی ممکن است به جایی برسد که دیگر حاضر نباشد با پدری که به علت محکومیت. مدتی طولانی را در زندان بوده، در خانواده به سر برد.

از نظر شغلی نیز زمانی که کسی به زندان می افتد، کار قبلی خود را از دست می افتد، کار قبلی خود را از دست می دهد و او که در واقع نان آور خانواده بوده پس از گذراندن محکومیت و خروج زندان، شغل قبلی خود را از دست میدهد و اگر بخواهد به شغل جدیدی دست پیدا کند به علت فردی که دارای سوء پیشینه کیفری است به او اطمینان پیدا نمی کنند و از دادن شغلی جهت امرار معاش حتی الامکان امتناع می ورزند. چنین شخصی که در جامعه، مطرود تلقی گردیده و فاقد شغل آبرومندی است در زمره افراد بیکار قرار میگیرد و چون در جامعه، جایی را برای خود نمیابد و کسب وجهه و احترام هم نکرده است لذا با ارتکاب جرم دیگر، زندان رفتن را استقبال و با عمل خود دو زیان بر جامعه وارد میکند:

اولاً - زیان معنوی که آن، کثرت وقوع جرم است که بر انحطاط اخلاقی جامعه می افزاید؛

ثانیاً - زیان مادی که بر متضرر از جرم از یک طرف و بر بودجه مملکت از طرف دیگر وارد می شود. (محمود، ۱۳۹۰)

در این صورت است که اصل شخصی بودن مجازاتها زیر سؤال میرود که علاوه بر خود زندانی، به خانواده زندانی نیز سرایت میکند. مجازات حبس خمین آنکه در حین اجراء باعث بیکار شدن یک عضو فعال جامعه میشود پس از اجراء نیز موجب میگردد که فرد، موقعیت کاری قبلی خود را نیز از دست بدهد و عضوی که در گذشته، شغل و کار مشخصی



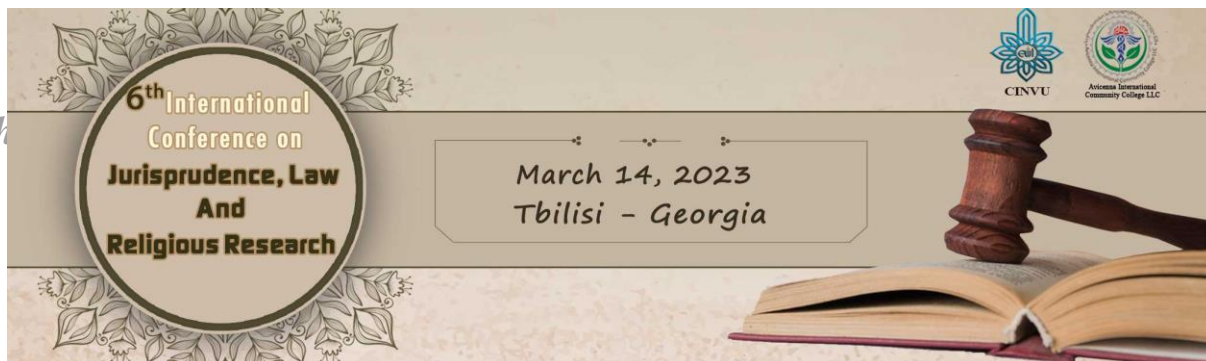
داشته اکنون مانند عضوی چیکار و سربرار جامعه می باید به حیات فردی و اجتماعی خود ادامه دهد که همین مسئله ارتکاب جرم و تکرار آن را فراهم می سازد. (شامیاتی، ۱۳۹۳)

### بند سوم: ایجاد مشکلات عالی و اقتصادی

از دیگر معایب زندان، تحمیل هزینه های سرسام آور جهت نگهداری از زندانیان است. هزینه های مربوط به پرسنل زندان، مأموران مراقب، مددکاران، مخارج بهداشت و درمان و تغذیه زندانیان و مهم تر از همه، ضرورت ساخت زندانهای جدید با توجه به تراکم جمعیت ها، از عواملی هستند که هزینه های گزافی را به دولت ازدحام جمعیت در زندانها نه تنها سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی را با مشکل مواجه نماید بلکه کنترل و نظارت و تأمین نظم و امنیت در زندان را دشوار می سازد بالاخص اینکه اکثر زندانیان، افرادی هستند که در سنین جوانی بوده و در واقع، بهترین دوران فعالیت و توانایی خود را در زندان سپری می کنند که این امر علاوه بر لطمه جبران ناپذیری که به قشر فعال جامعه وارد می کند، ممکن است. خطرهای بالقوهای را نیز جهت مراقبت و نگهداری و اصلاح آنان در بر داشته باشد. از طرف دیگر، انتظار خویشان و بستگان فرد محکوم به آزادی او و مراجعات مکرر جهت ملاقات زندانی و مسئولین قضایی جهت خلاصی و یا تخفیف مجازات او که این عمل از یک سو از فعالیت اقتصادی خانواده زندانی که مدتی از وقت و کار خود را صرف رفت و آمد می کنند، می کاهد و به زیان خود آنان و جامعه تمام می شود و از سوی دیگر، دستگاه قضایی را در تنگنایی قرار می دهد تا ناگزیر شود. هر چند یک بار تحت عنوان عفو و بخشودگی، عدهای از زندانیان را آزاد کند. حال برای کشوری همچون جمهوری اسلامی ایران که با مشکلات عدیده اقتصادی به علت تحریم های بین المللی مواجه گشته و در کنار آن، تعداد معتنابهی از جمعیت فعال در بیکاری به سر می برند و مسائل مختلف خانوادگی هم دارند بایستی هزینه زندان افراد زندانی را که برای ماتی خواه موقت و خواه، طولانی مدت به زندان وارد می شوند، تأمین کند. حال اگر هزینه کردن مبالغ تخصیص یافته به این امر منتج به ثمره وفایده ای شده باشد، مشکلی ایجاد نمیکند ولی دولت برای زندانیان هزینه می کند بدون اینکه نتیجه ای که همانا اصلاح و تربیت شخصی محکوم و بازسازی او باشد. حاصل شود. (همان)

### بند چهارم: مشکلات ناشی از صدور قرار بار داشت موقت

بدترین حالتی که بر زندانی و کسان و بستگان او میگردد، زمانی است که مدت بازداشت موقت او برای محاکمه، طولای شود. قرار بازداشت احتیاطی که مهمترین و شدیدترین اقدام فافی کیفری نسبت به آزادیهای فردی است که در مدت تحقیقات مقدماتی و گاهی تا پایان رسیدگی به دعوی و صدور حکم در دادگاه ادامه می باید، در واقع اقدامی است مغایر



بابی گناهی متهم با اصل براءت، اصلی و قاعده ای که مورد قبول کلیه نظامهای حقوقی و من جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.

قرار بازداشت احتیاطی با اصل براءت، سازگاری ندارد چرا که متهم قبل از اثبات جرم و صدور حکم محکومیت از دادگاه، زندانی می شود در حالی که زندان اصولاً جایگاه افرادی است که ارتکاب بزه و مجرمیت آنها به موجب حکم قطعی دادگاه صلاحیتدار محرز شده و باید کیفر قانونی را تحمل نمایند. زندان باید تنها در مورد جرایم مهمی چون قاچاق سازمان یافته و سایر جرایم آنها اعمال شود.

قرار تأمین، زمانی موجب تقض اصول و قواعد مزبور می شود که نهایتاً میزان مجازات مقرر در حکم دادگاه کمتر مدتی باشد که قبلاً در بازداشت به سر برده و یا وقتی است که تعقیب کیفری به صدور حکم براءت منجر گردد. در حالی که متهم مداتی به عنوان بازداشت موقت زندانی بوده و در هر صورت مسلم میشود که سلب آزادی او موجه نبوده و موجب ضرر و زیان مادی کم و بیش خطیری شده که جبران در تمام احوال به سهولت امکانپذیر نیست. از دست دادن حرفه و شغل و از هم گسیختگی خانواده متهم به علت بازداشت موقت او محتمل بوده و گاه مقرون به یقین است. (همان)

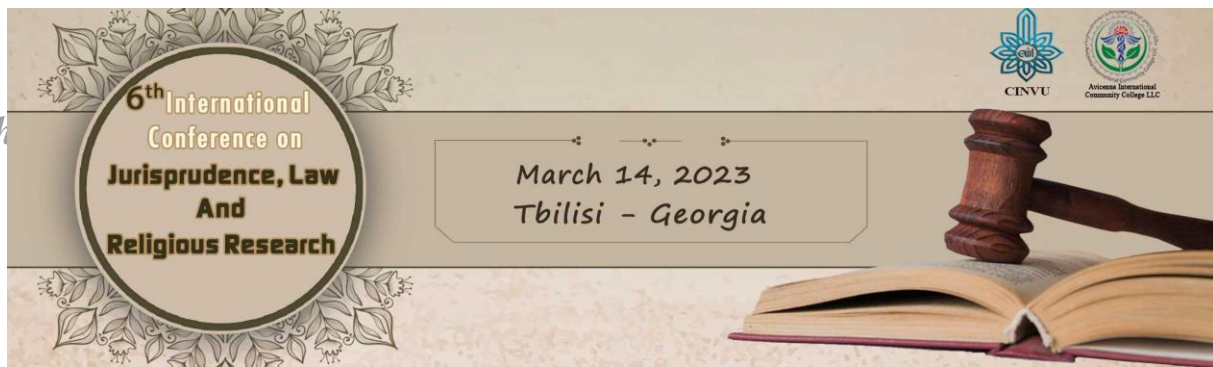
### گفتار سوم: تاثیر اعدام (سلب حیات) در پرتو پیشگیری و بازدارندگی از ارتکاب جرم

بازدارندگی به طور سنتی به عنوان عمده ترین نظریه جایگزین سزادهی (سزاگرایی) درک شده است. (بروکس، ۱۳۹۵) برخی آن را در سایه هدف عینی مجازات به معنی اصلاح و تربیت بزهکار و پیشگیری از جرم به شکل خاص نسبت به مجرمان و شرکاء و معاونین و به شکل عام نسبت به جامعه و بزهکاران بالقوه تعبیر می کنند. (هالوی، ۱۳۹۴) بازدارندگی در هر دو سطح فردی (پیشگیری از تکرار جرم) و اجتماعی یا عمومی (پیشگیری از جرم) از اهداف آینده نگر کیفر محسوب می شود، زیرا فقط به آینده می نگرد.

تقریباً در تمامی متون قانونی ادوار گذشته و حتی در برخی از نظامهای حقوقی معاصر نظیر ایران، نوع کیفرها و نحوه اجرای آنها یا به طور آشکارا و یا به طور ضمنی سعی در ایجاد رعب و وحشت در دو سطح فردی و عمومی دارند، (Verseeq, 2000) امری که در اجرای علنی سلب حیات به وضوح حاکم است.

از این رو، بین «ارعاب» از یک سو و «بازدارندگی» از سوی دیگر ارتباطی مستقیم وجود دارد. می توان در تعامل بین این دو واژه از ارعاب خاص که ناظر است بر بازدارندگی فردی و ارعاب عام که مرتبط است با بازدارندگی عمومی سخن به میان آورد. حقوقدانان کیفری یکی از اهداف مهم کیفر را بازدارندگی قلمداد می کنند و به طور معمول و به اشتباه آن را مترداف با ارعاب تعبیر می کنند، حال آنکه ارعاب یکی از ابزارهای بازدارندگی است. تعیین و پیش بینی کیفرهای سنگین از جمله کیفر سلب حیات در قوانین ناظر بر استفاده ابزاری از کیفر در راستای تحقق ارعاب در وهله نخست و به عنوان هدف اولیه و نیز بازدارندگی از ارتکاب جرم و یا تکرار آن به عنوان هدف ثانویه و اصلی است. (صانعی، ۱۳۷۱)





در نظام کیفری ایران کیفر سلب حیات در سه قالب کلی جنایت (قتل عمد)، حدود و تعزیرات پیش‌بینی شده است. در جنایت، سلب حیات تحت عنوان «قصاص نفس» تعیین و اجراء می‌شود. کیفر سلب حیات در حدود در جرایمی اغلب جنسی نظیر زنا و لواط و نیز در تعزیرات در جرایمی نظیر قاچاق مواد مخدر پیش‌بینی شده است. در تعامل بین کیفر سلب حیات با جرایم مذکور از چشم‌انداز بازدارندگی پرسش مهم این است که آیا این نوع از کیفر - تا جایی که بتوان آن را متّصف به وصف پیامدگرایی دانست - موجب بازدارندگی و کاهش این جرایم می‌شود؟ مطالعاتی که نسبت به کارایی بازدارندگی این کیفر در خصوص جرم قتل در آمریکا از ناحیه هر دو گروه صورت گرفته عمق مناقشه‌برانگیز بودن این موضوع را نشان می‌دهند. یک مطالعه وسیع نشان‌دهنده آن است که کیفر سلب حیات هر قاتل به طور متوسط از حدود هفت یا هشت قتل بالقوه جلوگیری کرده است. در مقابل، مطالعه‌ای دیگری نتیجه متفاوت و مغایری را اثبات می‌کند، از جمله اینکه در مقایسه ایالاتی از آمریکا که کیفر سلب حیات را جایز نمی‌دانند و بررسی تعداد قتل‌های عمدی‌ای که در آنها در یک دوره زمانی مشخص ارتکاب یافته است با ایالاتی که کیفر مرگ را مجاز دانسته و اجراء می‌کنند (اصطلاحاً به آنها ایالت‌های «مرگ‌خواه» می‌گویند)، نرخ‌های قتل ایالات «مرگ‌خواه» از ۵ تا ۴۰ درصد به ازای هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر بالاتر از دیگر ایالات بوده است. (بروکس، ۱۳۹۵)

در خصوص تأثیر بازدارندگی کیفر سلب حیات نسبت به جرایم تعزیری در ایران آمار دقیقی در دسترس نیست، اما در خصوص جرایم مواد مخدر آمارهای ارائه‌شده از کشفیات مواد مخدر در فاصله بین ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۷ افزایش ۱۷ برابری را نشان می‌دهد: آماری دیگر در خصوص قاچاقچیان دستگیرشده در سال ۱۳۶۸، ۲۴۵۸۴ نفر و در سال ۱۳۷۷، ۸۱۰۸۷ نفر یعنی حدود چهار برابر افزایش را ثبت می‌کند. (اکبری، ۱۳۷۹)

این در حالی است که کیفر سلب حیات در طی سال‌های ذکر شده به شدت اجراء می‌شد، به نحوی که در دوره زمانی ۱۰ ساله از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۸ تعداد ۸۹۹۷ نفر مجرم مواد مخدر به اعدام محکوم شده‌اند. (ساک، ۱۳۹۱) همه آمارهای مذکور و دیگر مطالعات آماری حکایت از آن دارند که هدف بازدارندگی کیفر سلب حیات در جرایم مواد مخدر، که متداول‌ترین نوع از جرایم تعزیری مستحق سلب حیات است، نتوانسته به هدف خود برسد و موفق ظاهر شود. (پوربافرانی و مسائلی، ۱۳۹۶)

در خصوص جرایم جنسی که کیفر آنها سلب حیات است و در نظام کیفری ایران در قالب جرایم حدی قرار می‌گیرند نیز آمارها و مطالعات انجام‌شده نتایجی مشابه را به لحاظ عدم کارکرد بازدارندگی نشان می‌دهند؛ جرم‌شناسان عمده دلایل آن را در عوامل ریشه‌ای این جرایم و تأثیرپذیری آنها از عوامل متعدد شامل اختلالات روانی و رفتاری ناشی از محرومیت‌های جنسی، مشکلات و موانع ازدواج، سنت‌ها و آداب و رسوم غلط و رایج می‌دانند. (رضائی زاده و همکاران، ۱۳۹۴) گفتنی است برخی از طرفداران کیفر سلب حیات در پاسخ به آمارهای ارائه‌شده از سوی مخالفین به خصوص در آمریکا که با کمی اغماض در ایران نیز به ویژه در جرم حدی و تعزیری صادق است اظهار می‌دارند که



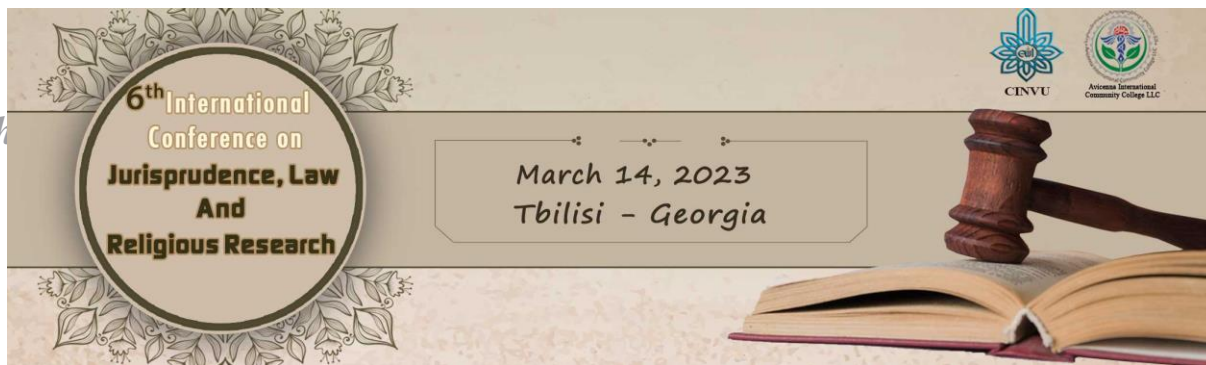
عدم قطعیت در اجرای کیفر سلب حیات نسبت به جرایم مربوط و زنده بودن امید رهایی از کیفر مرگ خاصیت بازدارنده بودن آن را کم رنگ می‌کند. قاتلان بالقوه می‌دانند نه تنها فرصتی برای عدم شناسایی و دستگیری دارند، بلکه از آن بیشتر فرصت صدور رأی به عدم محکومیت به کیفر سلب حیات را دارند. (بروکس، ۱۳۹۵) امری که در جنایت با امید جلب رضایت اولیاءدم به هر طریق ممکن، در حدود با حاکم بودن قاعده درآ و در تعزیرات افزون بر توبه، با امکان استفاده از نهادهای تخفیف‌آمیز، به مراتب امکان عدم اجرای کیفر سلب حیات را بسیار قوی‌تر می‌نمایاند.

در مقام پاسخ به پرسش نخست، به نظر نگارنده چنانچه قائل به بازدارندگی نسبی و نه مطلق کیفر سلب حیات نسبت به جرایم مربوط باشیم، به حکایت آمارهای ارائه‌شده و با مراجعه به تجربه کشورهای که این کیفر را به طور کلی از زرادخانه کیفری خود حذف کرده‌اند و یا در عمل از اجرای آن اجتناب می‌کنند - تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ بیش از دوسوم کشورهای جهان کیفر سلب حیات را در قانون یا در عمل لغو کرده‌اند، ۶ کشور در جرایم عادی و ۱۰۲ کشور در تمام جرایم و ۳۲ کشور در عمل و ۱۴۰ کشور هم در عمل و هم در قانون لغو کرده و فقط ۵۸ کشور آن را در قانون و عمل حفظ کرده‌اند. (پوربافرانی، ۱۳۹۶) آموزه بازدارنده بودن کیفر سلب حیات محکوم به شکست خواهد بود. از سوی دیگر، در سامانه سزاکرایی نوین که قائل بر عدالت استحقاقی بر مبنای تناسب تقصیر و مسئولیت کیفری بزهکار است و در این فرایند ممکن است مرتکب جرم مستحق کیفر مرگ از کیفر مرگ رها شود، این کیفر به اصول فکری سزاکرایی بسیار نزدیک‌تر می‌نمایاند.

### گفتار چهارم: تاثیر مجازات های سالب آزادی بر پیشگیری از ارتکاب جرم

#### بند اول: اثرات زندان بر تکرار جرم

همانطور که گفته شد یکی از اهداف مجازات‌ها ارعاب و بازدارندگی میباشد. منظور جنبه های پیشگیرانه و سودمندانه کیفر میباشد به این معنا که آن کیفر، چنان ترس و واهمه ای ایجاد کند که در وهله اول، نسبت به خود محکوم مرتکب است تا تمایل به ارتکاب مجدد بزه را در او از بین ببرد و در وهله دوم نسبت به عموم افراد جامعه که جزء بزهکاران بالقوه میباشد و ممکن است به تقلید از بزهکار اصلی به دامن ارتکاب رجم روی آوردند. تعبیر جلوگیری از اندیشه ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب را پیشگیری خاص و جلوگیری از ارتکاب جرم به تقلید از بزهکار را پیشگیری عام مینامند اینکه آیا کیفر زندان توانسته است این هدف مجازات‌ها را برآورده کند یا خیر به درستی معلوم نیست. آمارها نشان میدهد که این کیفر در برآورده کردن این هدف موفق نبوده است و باز میبینیم که نه تنها عموم افراد از ارتکاب جرم دست نکشیده اند بلکه همچنین بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرار کنندگان جرم تشکیل میدهند و هر سال به این تعدا افزوده میشود مجازات زندان در کاهش آمار جرایم بازدارندگی و پیشگیری جرم تأثیری ندارد. (کوچی رضائیان، ۱۳۹۵)

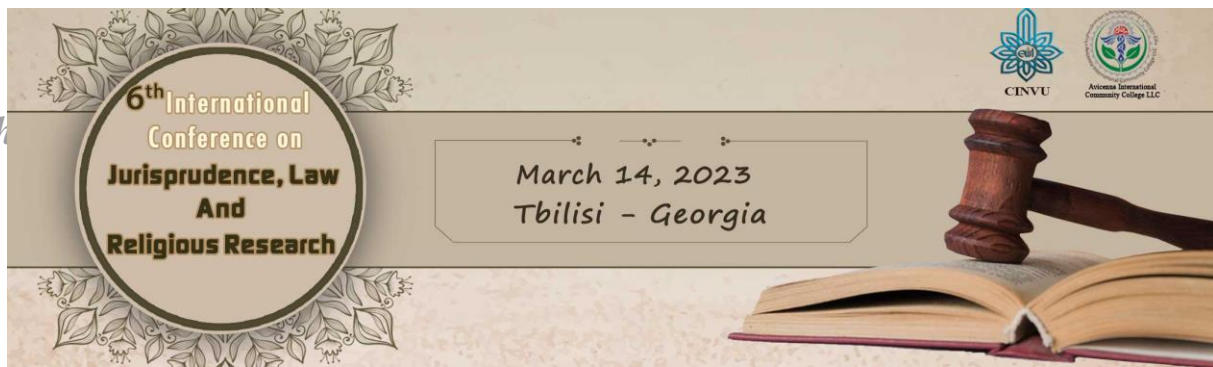


بنابراین زندان نه تنها نمیتواند امنیت قضایی را برقرار کند، بلکه بی اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی را نیز موجب خواهد شد علت عدم موفقیت نقش بازدارندگی را برخی در این میدانند که جرم ناشی از عواملی از قبیل فقر، بیکاری، بی سوادى مهاجرت و... است که زندان در از بین بردن آن هیچ نقش و تأثیری نخواهد داشت و تا وقتی علل و زمینه های ارتکاب جرم در جامعه وجود داشته باشد زندان از ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد.

### بند دوم: الگوی پیشگیری محور

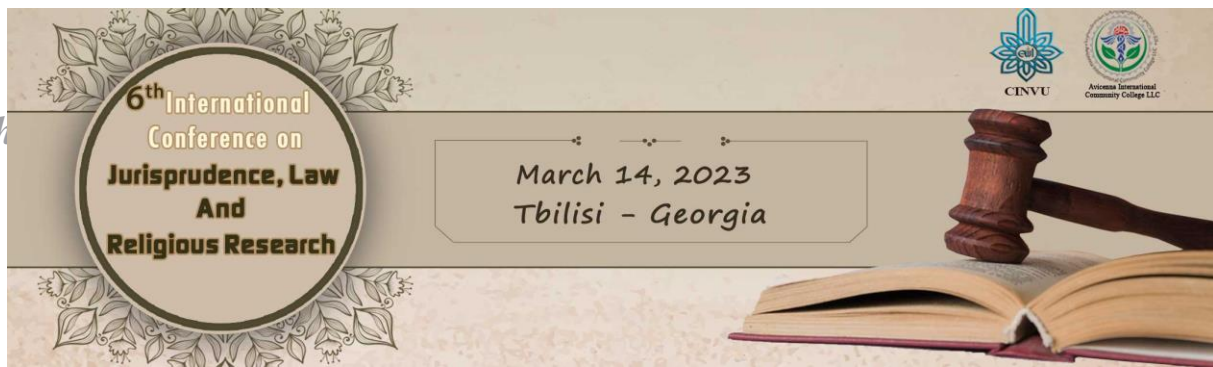
حاکمیت به منظور حمایت از منافع عمومی و جامعه تعداد زیادی از انواع راهکارها را به منظور پیشگیری از وقوع بزه در اختیار دادگاه قرار داده است با تلقی این تصمیمات به عنوان تصمیمات پیشگیرنده و در دسترس قرار گرفتن تعداد زیادی از این تصمیمات بدون اینکه محکومیتی به همراه باشد، اقدام کرده است. (مهر و همکاران، ۱۳۹۶) بر این اساس آنچه مبنا و مستند اقدامات پیشگیرنده در نظام عدالت کیفری از دیرباز تاکنون قرار گرفته است مفهوم دفاع اجتماعی با هدف تأمین امنیت جامعه و حفاظت از عموم براساس وظیفه ذاتی دولت است و بیش از کارانه در دوران دولت است. (نجفی ابراندآبادی و رضوانی، ۱۳۹۱)

این مفهوم در دهه های اخیر بیش از گذشته در مقررات راجع به خطرناکی به کار میرود؛ زیرا دولت ها امروزه با تکیه بر آمار جرائم و تکرار جرم و صرف هزینه های انسانی و اقتصادی فراوان به با و و و میرا کلوری این نتیجه رسیده اند که در میزان بزهکاری کاهش زیادی به وجود نیامده است و شاهد شکل گیری کاهش رویکردهای امنیت مدار و پیشگیری محور هستیم. (نجفی ابراندآبادی و رضوانی، ۱۳۹۲) از اینرو است که در حقوق کیفری در سالهای اخیر به جای فرض یا اماره خطرناکی شخص، از اماره بی ضرر بودن افراد برای جامعه یاد میشود. این بزهکاران بالقوه آسیبزا، دیگر اصلاح پذیر تلقی نمی شوند و بنابراین باید با اقدامهای نظارتی و سلب آزادی به پیشگیری از اضرار روی آورد. (نجفی ابراندآبادی و رضوانی، ۱۳۹۱) اقدام پیش دستانه علیه افراد خطرناک جرم انگاری از طریق «قانون متقابل» نیز نام گرفته است و به تلاشهایی اشاره دارد که در سالهای اخیر، برای مدیریت بزهکاران سلب آزادی پیشگیری محور به عنوان، کیفر در افراد دارای اختلال روانی برای تأمین امنیت عموم و پیشگیری از تکرار جرم احتمالی مجرمان خطرناک اعمال میشود. آثار تبعیت از سیستم پیشگیری محور را میتوان در دو نوع از مقررات کیفری مشاهده کرد؛ دسته اول مقررات راجع به بازداشت موقت است که در سالهای اخیر تعدیل شده است. براساس بند دوم ماده ۳۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و بند ب ماده ۲۳۸ قانون جایگزین آن مصوب ۱۳۹۲ یکی از شرایط فراهم کننده صدور قرار بازداشت موقت، حالت خطرناک متهم و احتمال ایجاد خطر برای بزه دیده و یا خانواده وی و حتی سایر افراد مانند شهود و ... است. با این تفاوت که استفاده از این نهاد در قانون سابق در موارد اجباری بوده و در قانون اخیر در همه موارد اختیاری است. یکی دیگر از جلوه های این تفکر در خصوص مجانین خطرناک است که برابر ماده ۲۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب



۱۳۹۲، تا زمان افاقه در مراکز درمان نگهداری خواهند شد. در ماده ۱ آئین نامه اجرایی مربوطه مصوب ۹۸/۱/۲۶ «مجنون خطرناک مجنونی است که آزاد بودن وی ممکن است موجب آسیب مالی یا جانی یا حیثیتی به خود و یا دیگران شود و یا مخل نظم و امنیت عمومی باشد.»

در واقع، میتوان سلب آزادی پیشگیری محور را نوعی اقدام پیش دستانه برای حفظ امنیت جامعه تلقی کرد که به نوعی با نگهداری توقیف تأمینی محقق میشود. در این اقدام، حقوق کیفری با فاصله گرفتن از راه کار سزادهی برای حفظ امنیت رویکردی آینده نگر می یابد و در مرحله پیش از ارتکاب جرم نیز اعمال می شود. (نجفی ابراندآبادی و رضوانی، ۱۳۹۲)



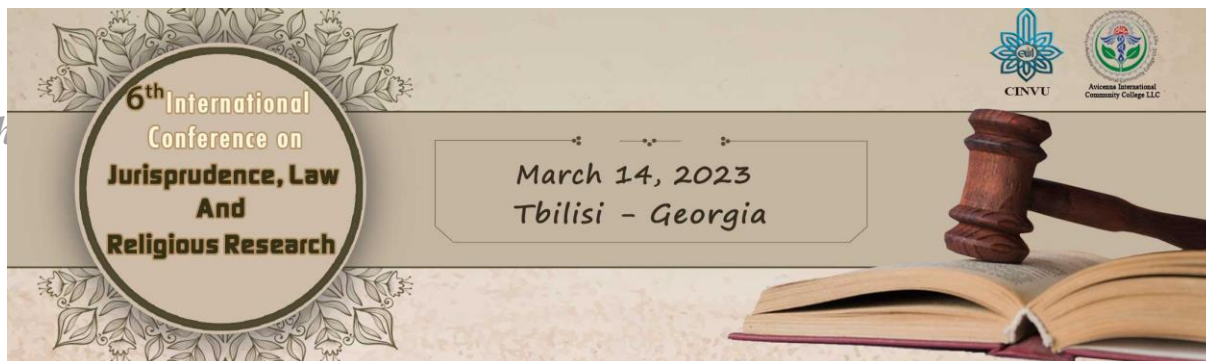
## نتیجه گیری

در نگرش اقتصادی به حقوق کیفری فرض بر این است که مرتکبان در یک فرآیند انتخاب عقلانی جرم را برمی گزینند و از این رو نخست، چون افرادی مختار و آگاه به نتیجه اقدامات خود هستند استحقاق مجازات را دارند و دوم، اگر کفۀ مجازات آنقدر سنگین نباشد که فواید جرم را خنثی کند، ارتکاب و تکرار آن قابل انتظار است. با این وصف، کیفر اعدام به عنوان شدیدترین مجازات توجیه می شود و ادعا می شود این شدت می تواند خنثی کننده منافع احتمالی جرم بوده و مرتکبین بالقوه را از ارتکاب جرم منصرف کند.

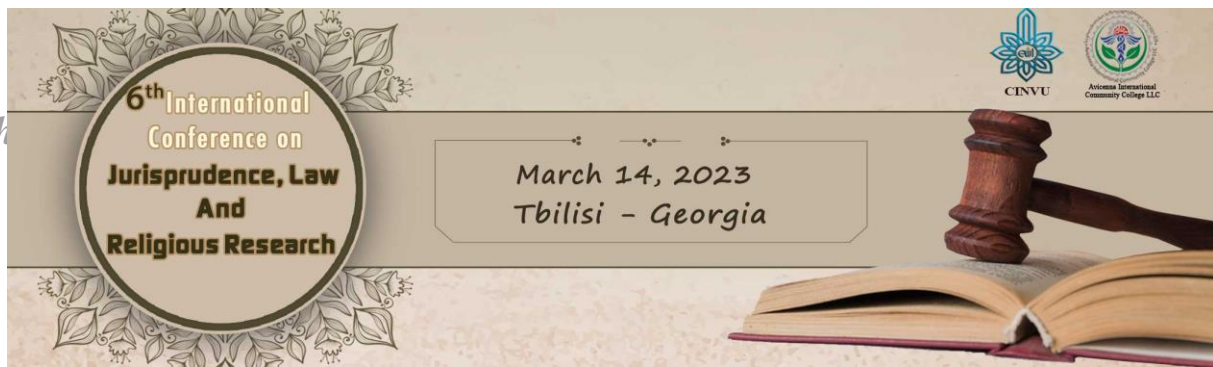
یکی از فراگیرترین ابزار کنترل اجتماعی و ایجاد نظم و پیشگیری از جرم مجازات زندان است اما امروزه نارساییها کاستیها و ایرادهای چندی بر مجازات زندان و نحوه اعمال و اجرای آن وارد است که کارایی ضرورت و فایده مندی آن را با ابهام و تردید مواجه میکند. بررسیها بیانگر آن است که زندان تأثیر شگرفی در پیشگیری از جرم نداشته، زیرا که جرم معلول علل و عواملی چون فقر، بیکاری، بی سواد، مهاجرت و... است و تا زمانی که علل ارتکاب جرم در جامعه وجود داشته باشد، زندان نیز از ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد.

با توجه به کمبود امکانات و نبود نیروی متخصص کافی در زندانها زندان نه تنها در پیشگیری از ارتکاب بزه کارایی لازم را ندارد بلکه بر تکرار، بزه تنوع شیوه های ارتکاب آن و آموزش فنون بزهکارانه دامن می زند. با توجه به اینکه هدف از مجازات حبس تنبیه مجرم و عبرت آموزی دیگران است اما در عمل، آنچه از آن انتظار میرفت محقق نشده و متأسفانه بزهکاری و تکرار جرم افزایش یافته است. برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان با اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه بندی زندانیان در زندانها بهبود وضعیت اسکان و نگهداری و نوع خدمات دهی مؤثر به آنها، حذف برچسب رسمی و غیر رسمی از زندانیان آزاد شده، عرضه خدمات مؤثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان، خانواده دوستان و نهادهای رسمی و غیر رسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدام مؤثری انجام داد.

سزادهی مجرم به عنوان هدف اولیه از مجازات در ظهور الگوی کیفری مؤثر بوده که مکتب کلاسیک داعیه دار آن است و به موازات نظریه سزادهی و یا متقارن با آن هدف دیگری که بیشترین تأثیر را در الگوهای کیفری داشته بازدارندگی بزهکار و غیر بزهکار از ارتکاب بزه در آتیه است. یکی از اهداف عمده مجازات تأثیرگذاری اجرای مجازات بر جامعه به نحو پیشگیرانه است. حمایت از جامعه در برابر مجرم نیز دیرزمانی است به عنوان هدف اصلی از اجرای مجازات شناخته شده است که می توان ظهور الگوهایی نظیر الگوی سلب توان بزهکاری متهم و الگوی کارکردگرایانه و بی نظیر الگوی با توان بزهکاری متهم و افتاد الگوی ریسک و الگوی پیشگیری محور را متأثر از این هدف دانست، در تمامی این الگوها که حمایت از جامعه بر حمایت از فرد مجرم ترجیح دارد مجازات حبس به بهترین وجه قابل توجیه است، به نحوی که اعمال مجازات حبس در قالب بازداشت موقت و یا قرارهای تأمینی قبل از اثبات بزه

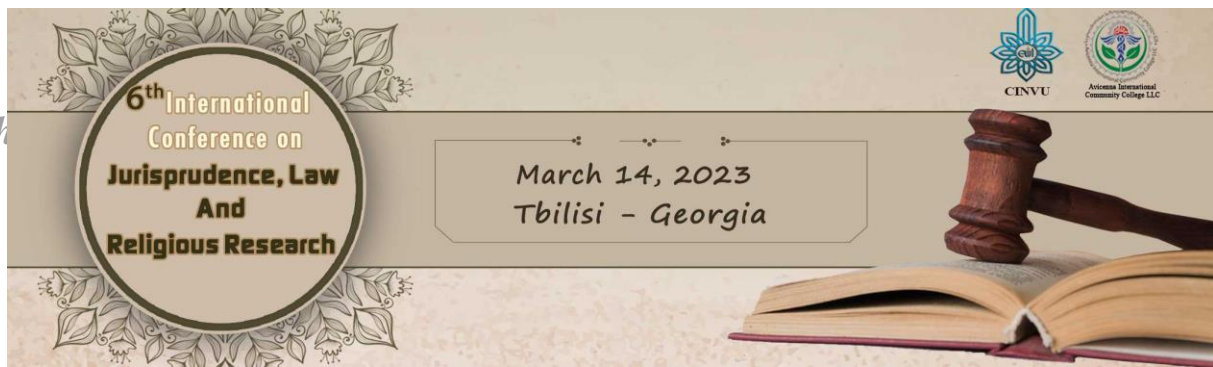


کاری تجویز شد. در نتیجه الگوهای مذکور از اجرای مجازات سالب آزادی به نحو حداکثری حمایت کرده است. تنها هدفی که به عنوان پدید آورنده الگوی حمایتی توانسته در تقابل با مجازات حبس تا حدودی، تقنین و به کارگیری حبس را محدود کند هدف حمایتی از اجرای مجازات بوده که در دو قالب حمایت از بزه کار و بزه دیده ظاهر شده است



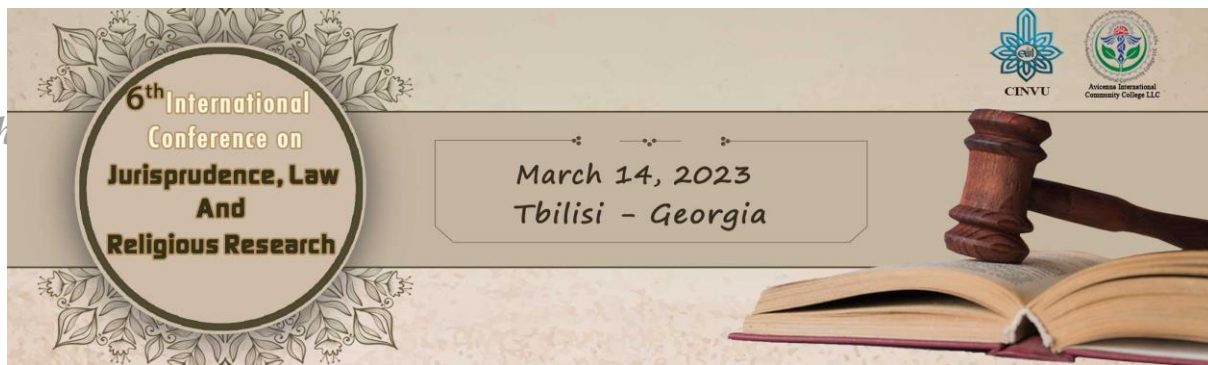
## منابع و ماخذ

- پیرانی، محمد، ۱۳۹۳، بررسی انواع مجازات ها در حقوق کیفری ایران، فصلنامه حق گستر، شماره ۷۲، ص ۳
- جر، خلیل، ۱۳۹۳، فرهنگ لائوس، جلد ۱، چاپ دهم، انتشارات امیر کبیر، ص ۷۳۹.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۴، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۸۱.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، فرهنگ لغت، جلد ۱، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، ص ۶۸۶.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۵، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات میزان، چاپ سی و دوم، ص ۲۸.
- اکبری، حسین، ۱۳۷۹، مطالعه نظری- عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران، همایش بین المللی علمی - کاربردی، جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، انتشارات روزنامه رسمی کشور، ص ۳۰۵.
- بروکس، تام، ۱۳۹۵، مجازات، ترجمه محمدعلی کاظم نظری، چاپ نخست، تهران، انتشارات میزان، ص ۷۰.
- بولک، برنار، ۱۳۹۱، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، ص ۶۴.
- پورباقرانی، حسن، مسائلی، امین، ۱۳۹۶، تحلیل کیفرشناختی مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر، مجله مجلس و راهبرد، دوره پاییز، شماره ۹۱، ص ۱۵۶.
- توجهی، عبدالعلی و ابراهیم وند، حسام، لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی بر مبنای فقه اسلامی، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۶۸، ۱۳۹۳، ص ۸۲.
- جان، گراهام، استراتژیهای پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، ترجمه مؤسسه جرم شناسی، جلد اول، ص ۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۵، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ص ۲۰۸.
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن، پیشگیری وضعی از بزه دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلستان، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳۸۹، ش ۱۷.
- خسروشاهی، قدرت الله، ۱۳۸۶، پیشگیری از جرم در آموزه های قرآن، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ص ۲۸.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۶۹.
- رضائی زاده، عبدالحسین، سلیمانی، بتول و مریدی، ولی، ۱۳۹۴، کارکرد بازدارندگی مجازات اعدام، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، بهار، سال دهم، شماره ۹۴، ص ۱۳۵.
- زرگری، سید مهدی، ۱۳۹۰، پیشگیری از بزهکاری، چاپ اول، ص ۵۲.



- ساکی، محمدرضا، ۱۳۹۱، مواد مخدر و روان گردان از دیدگاه علوم جنایی و حقوق بین الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ص ۲۴۶.
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، ج ۳، چاپ ۲، انتشارات مجد، ص ۱۱۱-۱۱۲.
- صانعی، پرویز، ۱۳۷۱، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ص ۱۶۰.
- عمید، حسن، ۱۳۹۰، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، انتشارات میکایل، ص ۱۸۹.
- فهیمی فر، فاطمه، مکیان، سمیه سادات و سریرافراز، محمد، ۱۳۸۶، پیشگیری از وقوع جرم و جنایت: بستر ساز برقراری جامعه ایمن، برگزیده مجموعه مقالات دومین همایش جامعه ایمن شهر تهران. ص ۲۵۵.
- قانون نیروی انتظامی مصوب ۲۷ تیرماه ۱۳۶۹.
- قیاسی، جلال الدین و همکاران، ۱۳۸۹، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ص ۹.
- کوچی رضائیان، محمدرضا، ۱۳۹۵، بررسی تأثیر اعمال مجازات حبس در کاهش جرایم با رویکردی بر وفق پیشگیری از جرم در پیش نویس اسناد الگوی پایه پیشرفت، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگوی پایه پیشرفت. ص ۳.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۵، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ص ۶۶.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۵، حقوق جزای عمومی ایران، چاپ ۱۴، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۲۴.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و الوندی، مظفر، ۱۳۸۵، انتشارات سازمان زندان ها و اقدامات امنیتی و تربیتی کشور، مرکز آموزشی و پژوهشی، ص ۴۳.
- محمدی، داوود، حبس و جایگزین حبس، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۶، ۱۳۸۹، ص ۳۸.
- محمود، عباسعلی، ۱۳۹۰، حقوق جزایی اسلام، ج ۱، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ص ۱۴.
- معین، محمد، ۱۳۹۳، فرهنگ فارسی معین، انتشارات بهزاد، ص ۳۹۱.
- مهدوی، محمود، ۱۳۹۰، پیشگیری از جرم (پیشگیری رشد مدار، تهران، انتشارات سمت، ص ۱۸).
- مهرا، نسرین و مجیدقورچی بیگی و عباس مودن، ۱۳۹۶، تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان، پژوهش حقوق کیفری، شماره بیستم، سال ششم، ص ۱۲۸.
- نجفی ابراندآبادی علی حسین و سودابه رضوانی، ۱۳۹۲، سلب آزادی پیشگیری محورباتأکید بر ماده ۱۵۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره دوازدهم، دوره چهارم، ص ۱۰.
- نجفی ابراندآبادی، علی حسین و سودابه رضوانی، ۱۳۹۱، درباره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)، دیپاچه در رضوانی، سودابه، مدیریت انسانمدار ریسک جرم، انتشارات میزان. ص ۱۲.





- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۱، تقریرات جرم شناسی، کنترل و واکنش اجتماعی، ص ۱۵۸.
- هالوی، گابریل، ۱۳۹۴، کیفردهی آموزه ای مدرن، ترجمه علی شجاعی، چاپ نخست، تهران، نشر دادگستر، ص ۴۹.
- VerSteeg, Russ. (2000). Early Mesopotamian Law. Carolina Academic Press.
- Wilson, Colin. (2015). A criminal history of mankind. Diversion Books.